

ارزیابی و اولویت‌بندی گونه‌های هنر عمومی در راستای سرزندگی خیابان‌های پیاده محور با استفاده از فرآیند سلسله مراتبی (AHP) (نمونه موردی: خیابان پیاده محور چهارباغ عباسی اصفهان)

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۰۱/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۰/۰۲/۳۰

سارا داوری (دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)
ابوذر مجلسی کوپائی* (استادیار، گروه معماری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)
زهرا فنایی (استادیار، گروه هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

چکیده

امروزه با سلطه تدریجی حرکت سواره بر پیاده، فضاهای شهری به انبوهی از فضاهای سرد و بی‌روح مبدل شده است؛ بنابراین بازگشت به مقوله پیاده‌مداری به موضوعی مهم در شهرسازی تبدیل شده است. اما امروزه، اگر این فضاهای مهم شهری از کیفیت‌های لازم برای جذب و حضور برخوردار نباشند، مردم به جای سپری کردن اوقات فراغت خود در آنها، فضاهای جایگزین را بر می‌گزینند. در همین راستا، بهره‌گیری از گونه‌های متنوع هنر عمومی به عنوان یکی از راه‌های پاسخگویی به عدم سرزندگی فضاهای شهری مطرح شده است. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش پیش رو در قالب یک پژوهش کمی-کیفی و از نوع کاربردی است که ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و بر پایه اولویت‌بندی گونه‌های اثرگذار هنر عمومی بر سرزندگی پیاده‌راه چهارباغ عباسی اصفهان هدف‌گذاری شده است، که در همین راستا، از فرآیند تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و نرم‌افزار Expert Choice در راستای اولویت‌بندی گونه‌های اثرگذار هنر عمومی بر سرزندگی بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد از بین ده گونه‌ی هنر عمومی اثرگذار بر جذابیت و سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی، گونه هنر نورپردازی در صدر جدول اولویت‌بندی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: هنر عمومی، فضای شهری پیاده محور، سرزندگی، فرآیند تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، خیابان چهارباغ عباسی اصفهان.

مقدمه

فضاهای شهری به عنوان یکی از مهمترین اجزای اصلی شهرها که تبادلات اجتماعی و اقتصادی در آن صورت می‌گیرد، دوستان با یکدیگر ملاقات می‌کنند و فرهنگ‌ها در آن با هم تلاقی پیدا می‌کند از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از چالش‌ها و مباحث مهم در شهرهای امروزی، ایجاد جذابیت و سرزندگی در فضاهای شهری برای حضور و تعامل میان مردم است. در گذشته، خیابان‌ها، میادین و به طور کلی فضاهای شهری، محلی برای حضور و گرد هم آمدن مردم بودند؛ “اما در شهرسازی معاصر، حرکت پیاده، نیازها و حقوق طبیعی انسان پیاده کمتر مورد توجه قرار گرفته است و راه‌های پیاده نه به عنوان بخشی مستقل از فضاهای شهری بلکه به عنوان تابعی از حرکت سواره به حساب آمده است که هر نوع احساس تعلق، زیبایی و اشتیاق را در شهروندان نابود می‌کند” (صفاری راد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۵). به گونه‌ای که با ورود ماشین به این فضاها، نشاط و سرزندگی در این فضاها کاهش یافت و بزرگترین هدف در شهرها، ایجاد معابری برای عبور سواره شد. در همین راستا، نقش این فضاها تنها به ارتباط دهنده بین مقصدها تقلیل یافته و مردم به دنبال کوتاهترین راه برای رسیدن به مقصد هستند و دیگر انگیزه‌ای برای مکث و ماندن در فضاهای شهری نمی‌یابند. این در حالی است که سرزندگی فضاهای شهری به حضور مردم وابسته است و این روند، بر روی سلامت شهر و شهروندان به شدت تأثیرگذار می‌باشد. “امروزه، عمده شهرهای ما با این مسأله مواجه هستند و به نظر می‌رسد افراد تنها از روی اجبار و برای رفع نیازهای شخصی حاضر به حضور در خیابان‌ها می‌شوند” (موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۳). اما، صرفاً ایجاد فضایی بدون اتومبیل و مختص عابران پیاده به تنهایی موجب سرزندگی و جذب مردم برای حضور در این فضاها نمی‌گردد. در این بین، “عوامل و مؤلفه‌های مختلفی در سرزندگی و ارتقای کیفی فضاها و عرصه‌های عمومی در شهر دخیل هستند که یکی از آنها هنر به مثابه رسانه‌ای قدرتمند متکثر و واجد اثرگذاری است” (عموزاده، ۱۳۹۸: ۲). امروزه، هنر بیش از پیش و به طور بی‌سابقه‌ای، عمومی شده است و میل به تکثیر و حضور در فضاهای عمومی دارد. در ارتباط با همین موضوع، نقش هنر در سرزندگی و بهبود کیفیت اجتماعی فضاهای شهری از جمله مباحث بسیار مهمی است که بازگو کننده هویت بصری-مکانی است که در وهله اول به دید ناظران می‌رسد. از این رو گرایش‌ها و دیدگاه‌های جدیدی در بهره‌گیری از گونه‌های هنر عمومی در عرصه‌های شهری جهان مطرح شد.

با وجود گذشت چندین دهه از رویکردهای پیاده مداری در کشورهای مختلف، هنوز در ایران سرزندگی محورهای پیاده موضوعی نو محسوب می‌شود. به همین منظور در پژوهش حاضر سعی شده است با انتخاب پیاده راه چهارباغ عباسی به عنوان نمونه مطالعاتی، گونه‌های

هنر عمومی در راستای سرزندگی این محور پیاده مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، یکی از راهکارهای زود بازده در این فضای شهری، بهره‌گیری از گونه‌های متنوع هنر عمومی است که ضمن تقویت هویت دیداری و ذهنی، به جذابیت، زیباسازی و کاهش ناهنجاری‌های بصری می‌انجامد و مکانی را برای تجمعات اجتماعی و رویدادهای غیر رسمی شهروندان شکل می‌دهد. از این رو پژوهش پیش رو بر پایه شناسایی و اولویت‌بندی گونه‌های اثرگذار هنر عمومی بر سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی اصفهان هدف‌گذاری شده است.

پیشینه پژوهش

به منظور تدقیق موضوع و تدوین چارچوب نظری در هر پژوهشی بایستی پژوهش‌های انجام شده و نتایج بدست آمده به عنوان پیشینه مورد مذاقه قرار گیرد. صاحب نظران بسیاری به موضوع زیبایی، هنر و سرزندگی در فضاهای شهری پرداخته‌اند. از مهمترین پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های آنتونی رمسار اشاره کرد. وی در کتاب «بازسازی شهری، چالشی برای هنر عمومی»، به ارتباط بین هنر عمومی با طراحی شهری و نقش آن در بازسازی فضاهای عمومی پرداخته است (Remesar, 2005). مایلس در کتاب خود با عنوان «هنر، فضا و شهر: هنر عمومی و ویژگی‌های شهری»، بیان می‌کند که هنر عمومی بایستی نقش نشانه‌ای در فضاهای شهری داشته باشد، نقشی فراتر از یک مجسمه. همچنین وی بیان می‌کند: هنر عمومی به مکان شور و احساس می‌دهد، باعث ایجاد تعهد در مردم استفاده کننده از مکان می‌شود و آنها را با مکان درگیر می‌کند، مدلی از کارهای پرپندار و تخیل‌انگیز ارائه می‌کند و به باز زنده‌سازی شهری کمک می‌کند (Miles, 2005). وحدت و سجاد زاده (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و ارزیابی نقش هنر شهری در افزایش میزان حضورپذیری فضاهای عمومی با تأکید بر گرافیک شهری، نمونه موردی: پارک مردم همدان»، هنر عمومی را به عنوان یک ابزار مؤثر در بالا بردن سطح کیفیت فضاهای شهری در جذب و افزایش میزان حضورپذیری شهروندان معرفی می‌کنند. عادلوند و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «هنر شهری به مثابه پدیده‌ای منظرین در جامعه امروز»، مخاطبان اصلی هنر عمومی را عموم مردم معرفی می‌کنند. در این پژوهش انسان و فضای جمعی به عنوان دو مؤلفه‌ی مهم در ارتباط با هنر عمومی مطرح می‌شود. مظفر و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت محیط زیست شهری» بیان می‌کند که هنر شهری می‌تواند از طریق هویت سازی، زیباسازی، تلطیف فضاهای شهری، نشاط و سرزندگی به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک نماید و در سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار باشد.

مبانی نظری

هنر عمومی: معمولاً این هنر به "اقدامات بصری هنرمندانه تهیه شده برای سایت‌های باز و در دسترس مردم" (Eaton, 1990: 71) اطلاق می‌شود. مقوله هنر عمومی یا به بیان دیگر هنر پاپ، هنر توده، هنر مردم وار، از جمله جنبش‌های هنر قرن بیستم و دستاوردهای این برهه از تاریخ به شمار می‌رود. این واژه نخستین بار توسط همیلتن و جان مک هلپا به عرصه هنر گذارد. همیلتن هنر عمومی را با تعبیری همچون، هنر جوان، ارزان، مردمی، فانی، مصرف‌گرا، کنایه‌آمیز و فریبنده معرفی می‌کند. مدافعان شکل‌گیری هنر عمومی نیز به طور مداوم آن را به عنوان ابزاری برای انسانی‌تر کردن محیط‌های ساخته شده، افزودن معنا به منظرهای انتزاعی و تبدیل «فضا» به «مکان» معرفی می‌کنند (Hubbard, 2003: 149). به گفته ارمجانی "هنر عمومی آن نیست که قاب می‌شود و به دیوار آویزان می‌گردد، هنر عمومی آن است که از طرف عموم تجربه می‌شود... هنر عمومی به ذات ساختمان یا خیابان تعلق می‌گیرد" (ارمجانی، ۱۳۸۴: ۸). ژاویر مادرولو نیز بیان می‌کند هنر عمومی یک سبک نمی‌باشد زیرا مستقل از فرمها، مصالح و مقیاس‌ها شکل می‌گیرد و مکان هنر عمومی فضای باز شهری است که به همه مردم اختصاص دارد نه یک گروه مشخص (Maderuelo, 1994). کارینگتون نیز خاطرنشان می‌کند که: "هنرهای عمومی می‌تواند به اشکال مختلفی نمایش داده شود، مانند: مجسمه سازی، نقاشی، عکاسی، رویدادهای هنری، فرش، منسوجات، کاشی کاری، روشنایی، علائم، نقاشی نمای ساختمان‌ها، مبلمان شهری و غیره" (Carrington, 2004:3). در نتیجه هنر عمومی مفهوم جدیدی نیست، بلکه ریشه در تاریخ و فرهنگ ادوار مختلف داشته است و استفاده و عملکردش با گذشت زمان تغییر کرده است. هنر در مکان‌های عمومی با تشکیل تصویر ویژه‌ای از شهر، روابط بین مردم را تحت تأثیر قرار داده و باعث ارتقاء سطح سلامتی و تمول جوامع می‌شود.

گونه‌های هنر عمومی: در راستای شناسایی گونه‌های متنوع هنر عمومی، رمسار سه پارامتر هویت، ساختار و معنا را برای ارزیابی گونه‌های هنر عمومی معرفی می‌نماید تا تفاوت این نوع از هنر با آثاری هنری که تنها در فضاهای خارجی شهری قرار داده شده‌اند مشخص گردد (جدول ۱).

جدول ۱- شاخصه‌های ارزیابی هنر عمومی در فضای شهری از دیدگاه رمسار

پارامترهای ارزیابی	شاخص
هویت	تمایز، موجودیت مستقل، تمامیت، استقلال از زمینه
ساختار	رنگ، شکل، مقیاس، فرم، مصالح
معنا	عملکردی بودن، مفید بودن، قابل شناسایی، مناسبت با زمینه، یکپارچه بودن

بر اساس پارامترهای ارزیابی هنر عمومی از نظر رمسار، گونه‌های هنر عمومی را می‌توان در گروه‌های مختلف بر اساس نوع و ماهیتشان به شرح زیر دسته‌بندی کرد: اولین تقسیم‌بندی، گونه‌های هنر عمومی را در دو دسته ثابت (ایستا) و متحرک (پویا) قرار می‌دهد (وحدت طلب و همکاران، ۱۳۹۲). در این تقسیم‌بندی نقاشی‌های دیواری و کف، مجسمه‌های شهری، مبلمان شهری و یادمان‌های تاریخی و تندیس‌ها در گروه هنرهای عمومی ثابت قرار می‌گیرند. هنرهای متحرک نیز شامل نمایش‌های خیابانی یا اجرای موسیقی‌های زنده، تئاترهای خیابانی و راهپیمائی‌ها است که مردم را مجبور به نظاره اثر هنر عمومی و مکثی هر چند کوتاه در فضای شهری می‌نماید (شه‌ابیان و حقیقی، ۱۳۹۳). تقسیم‌بندی دیگر بر اساس مشارکت مردم، هنرمندان و طراحان می‌باشد که بدین شرح است: هنرهای خیابانی^۱، هنرهای مردمی^۲، هنرهای تخصصی در عرصه‌های عمومی، هنرهای رسانه‌ای و شنیداری (مظفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹). «همچنین می‌توان گونه‌های هنر عمومی را از نظر زمان ماندگاری به دو دسته «هنر عمومی موقت» و «هنر عمومی دائم» تقسیم‌بندی نمود. آثار هنری که ماندگاری کوتاه دارند مانند موسیقی و آتش بازی؛ و آثار هنری دائم که به صورت پایدار در فضای شهری باقی می‌ماند مانند: یادمان‌های تاریخی، آثار یادبودی، مجسمه‌ها و آثار تزئینی، نورپردازی، مبلمان شهری» (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶).

همچنین رمسار مزایای هنر عمومی را در سه گروه زیر دسته‌بندی می‌کند: هنر عمومی موجب افزایش تعاملات اجتماعی بین شهروندان در شهر می‌شود، هنر عمومی ایجاد تصویری از شهر به عنوان مرکز فرهنگی می‌کند و هنر عمومی به ایجاد تصویری از شهر به عنوان مرکزیت دارای پویایی متغیر کمک می‌نماید (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶). مالکوم مایلز (۲۰۰۵) نیز مزایای استفاده از هنر در فضای عمومی را اینگونه عنوان می‌کند که هنر عمومی به مکان، شور و احساس می‌دهد، باعث ایجاد تعهد در مردم استفاده کننده از مکان می‌شود و آنها را با مکان درگیر می‌کند. به دلیل حجم زیاد و تنوع در گونه‌شناسی هنر عمومی در فضاهای شهری، انتخاب گونه‌ها به ماهیت فضا، اهداف طراحی فضا، مخاطبان و استفاده کنندگان فضا و جایگاه فضا در اسناد شهری بستگی دارد و هر شهر و فضای شهری متناسب با پتانسیل‌های خود از نظر زمان و مکان، نوع خاصی از گونه هنری را ارائه می‌دهد تا خوانایی، معنا، هویت و زیبایی را به شهر اهدا نماید. درنتیجه انواع پرکاربرد هنر عمومی که امروزه فضاهای شهری تمایل فزاینده‌ای برای حضور آنها دارند به شرح زیر می‌باشد:

^۱. Street Art

^۲. Public Art

جدول ۲- گونه‌های هنر عمومی در فضای شهری

هنرهای تجسمی	معماری	مبلمان شهری	هنرهای نمایشی - اجرایی	هنرهای دیجیتال
نقاشی دیواری	یادمان‌های تاریخی	علائم و تابلوهای راهنمایی و رانندگی	تعزیه‌ها، کارناوال - ها، پرفورمنس‌ها	نورپردازی شهر
گرافیتی	ساختمان‌های خاص	مجموعه وسیعی از وسایل و اشیاء در درون شهر	ادبیات، شعر و موسیقی	فضاسازی با نور
مجسمه‌های شهری	نما		نقاشی	
نقش برجسته	معماری منظر		تئاتر خیابانی	
هنرهای محیطی	باغ‌سازی		نمایش‌های آیینی	
هنر چیدمان یا اینستالیشن				
ویترین‌ها و تابلوهای فروشگاه‌ها				
یادمان‌های شهری				

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

فضای شهری پیاده: "با اختراع اتومبیل و تولید روزافزون آن، چهره شهرها و نوع زندگی مردم دچار تغییرات شد. فضای شهری که تا آن زمان بر مبنای مقیاس انسانی و با توجه به حرکت عابر پیاده و ادراک او از محیط تعریف می‌شدند، پس از آن متناسب با مقیاس خودرو طراحی شدند و نیازهای انسان به آرامش و امنیت در شهر نادیده گرفته شد" (رنجبر و رییس اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۸۴). سرانجام، پس از انتقادهای فراوان به صنعتی شدن و ماشینی شدن زندگی در شهرها و فضاهای شهری، اهمیت مفهوم پیاده محوری در فضاهای شهری افزایش روزافزونی یافت.

فضای شهری صحنه زندگی عمومی و اجتماعی است، فضایی است که دسترسی عموم به آن آزاد و بدون محدودیت و کنترل می‌باشد (Carmona, 2010). در یک کلام فضای شهری بستر حیات مدنی جامعه می‌باشد" (طبییان، ۱۳۷۹: ۳۸) و خیابان، به عنوان مهمترین گونه فضای شهری، فضایی زنده، مهیج و پرتحرک یا به تعبیری مهمترین فضای عمومی یک شهر است" (Cowan, 2005: 156). حال پیاده‌راه نوعی فضای شهری محسوب می‌گردد که

حرکت پیاده در آن در اولویت بوده و حرکت سواره در تمام یا بخشی از ساعات شبانه روز حذف می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۶۵). طبق گفته جیکوبز خیابان و پیاده راه‌های آن بخش مهم و حیاتی مکان‌های عمومی شهر را می‌سازند (Jacobs, 2016). بنابراین، پیاده راه‌ها معابری دارای نقش اجتماعی عمده هستند که می‌توانند شور و سرزندگی را به فضاهای شهری آورند و مردم را به حضور داوطلبانه در شهر، توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران تشویق کنند (پورمختار، ۱۳۹۲: ۹۷).

دو کیفیت مهم که منجر به سرزندگی پیاده راه‌ها می‌شوند تنوع و نفوذپذیری این فضاها هستند. یکی از سیاست‌های رسیدن به تنوع در طول مسیرهای پیاده، نماد و نشانه‌های شهری هستند که یا برگرفته از کالبد موجود و یا بر اساس شرایط موجود و ارزش‌های بافت تعریف می‌گردند، که به خوانایی مسیر می‌افزاید و آن را به نماد تبدیل می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۰: ۴۸). نفوذپذیری کیفیتی است که در ایجاد سرزندگی مسیر پیاده شهری بسیار مؤثر است. یکی از سیاست‌های رسیدن به این موضوع، ایجاد امکان رابطه متقابل بصری بین مسیر و بدنه است (پورمختار، ۱۳۹۲: ۹۴). در همین راستا، بنتلی نیز چهار کیفیت اصلی را که از منظر بسیاری از نظریه پردازان از معیارهای اصلی در سرزندگی فضای شهری پیاده‌مدار است، اینگونه برشمرده است: امنیت، نفوذپذیری، خوانایی، تنوع کالبدی و عملکردی (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸).

سرزندگی: مهمترین شاخص کیفیت فضاهای شهری، حس سرزندگی در فضا می‌باشد که نشان‌دهنده پویایی و جنب و جوش شهروندان در ارتباط با محیط اطرافشان است. سرزندگی در مفهوم عمومی خود یعنی: قابلیت مکان برای تأمین تنوعی از فعالیت‌ها و استفاده کنندگان با هدف تنوع تجربیات و تعاملات اجتماعی به گونه‌ای که امنیت، برابری و راحتی را برای همه‌ی استفاده کنندگان فراهم آورد. بنابراین، "فضایی که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آنها (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بوده و دارای دو رویه است که یک رویه آن به بینش، فرهنگ مردم و ادراک آنها وابسته است و دیگری به کیفیت و زیبایی فضاهای شهری مربوط می‌شود و با هم ارتباط متقابل دارند" فضای سرزنده شهری گفته می‌شود (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹: ۶۶).

ویژگی‌های سرزندگی در خیابان‌های پیاده محور

بخش مهمی از تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری محقق می‌شود، بنابراین فضاهای شهری در تقویت بنیان‌های اجتماعی شهر اهمیت بسیاری دارند. به همین منظور در بررسی‌های به عمل آمده از خیابان‌ها و فضاهای شهری هشت ویژگی اساسی در سرزندگی

خیابان‌های شهری تبیین شده است که عبارتند از: توجه به نیازها و خواسته‌های انسان، تراکم، اختلاط کاربری‌ها، فعالیت‌های شبانه روزی، حرکت پیاده در خیابان، فضای مکث و نشستن، تنوع فضایی و خوانایی (اسدالهی کیا، ۱۳۸۴: ۲۶-۳۲). در نتیجه، یک محیط شهری برای آن که به محیطی پیاده مدار تبدیل شود باید دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌های فیزیکی خاصی باشد که در ذهن استفاده کنندگان به فضایی متمایز، ایمن، خاطره انگیز و سرزنده تبدیل گردد. در ارتباط با ویژگی‌های ذکر شده و معیارهای اثرگذار بر سرزندگی فضاهای شهری طبق جدول ۳، می‌توان چهار مؤلفه کالبدی، کاربری، دسترسی و امنیت را برای این پژوهش در نظر گرفت. براین اساس، شاخص‌های تأثیرگذار بر سرزندگی خیابان‌های پیاده‌مدار در این پژوهش بدین شرح می‌باشد: جذابیت، کیفیت بصری، احیاء و زنده سازی، جذب گردشگر، یادآوری خاطرات و حس تعلق.

جدول ۳- معیارها اثرگذار بر سرزندگی فضاهای شهری از نظر صاحب نظران

صاحب نظران	معیارهای اثر گذار بر سرزندگی فضاهای شهری
جین جیکوبز	اختلاط کاربری، تنوع و انعطاف‌پذیری در کاربری و عملکرد، نفوذپذیری و دسترسی راحت، مفهوم (معنا)، سازگاری، کنترل و نظارت، کارآیی و عدالت.
کارمونا	تنوع در مسیر، نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری در کاربری و عملکرد، ایمنی و امنیت، دسترسی، راحتی، سبزی‌نگی، پاکیزگی، جذابیت، خوانایی، جامعه پذیری.
راپاپورت	ایمنی، امنیت، زمان و مکان، شرایط اقلیمی، راحتی مسیر، زیبایی و جذابیت مسیر.
تیبالدز	اختلاط کاربری، مقیاس انسانی، آزادی گردش و قدم زدن، تنوع اجتماعی، خوانایی، لذت بصری، حس مکان، امنیت، آسایش پیاده، کیفیت زندگی.
یان گل	کیفیت محیط، تنوع اجتماعی، جذابیت، آرام سازی، فضاهای همگانی، مبلمان شهری، امنیت، راحتی، لذت بردن، مطلوبیت، تعامل اجتماعی.

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

نقش هنر عمومی در سرزندگی پیاده راه‌ها

”سرزندگی فضاهای عمومی در فضایی که در تعامل شهر و شهروند شکل می‌گیرد اتفاق می‌افتد. این کیفیت محصولی نیست که با اقدامی دفعی و یکباره تولید شده باشد، بلکه فرآیندی از آفرینش مستمر محسوب می‌شود“ (گلکار، ۱۳۸۶: ۷۵-۶۶). مطابق با مبانی نظری پژوهش، صاحب نظران بسیاری در زمینه سرزندگی فضاهای شهری، معیارها و ویژگی‌های آن

به بیان نظر پرداخته‌اند و هر یک از دریچه‌ای خاص به موضوع سرزندگی فضاهای شهری پرداخته‌اند. اما، با در نظر گرفتن موضوع پژوهش، قراگیری مفهوم هنر عمومی در کنار پیاده‌راه بیان‌کننده یک زمینه مشترک یعنی مردم می‌باشد. با استفاده از طیف متنوعی از اشکال و برنامه‌های کاربردی هنری می‌توان به فضای عمومی شهر نشاط و سرزندگی بخشید. مطالعات انجام شده که چند دهه‌ای است به موضوع هنر عمومی اختصاص داده شده است بیان‌کننده این موضوع است که هنر عمومی نه تنها به تقویت سیما، منظر و کیفیت بصری شهر کمک شایان توجهی می‌نماید بلکه معانی زیباشناختی، اجتماعی و عملکردی نیز به فضاهای شهری می‌بخشد و می‌تواند به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار در ایجاد تنوع، نفوذپذیری، امنیت و خوانایی فضاهای شهری عمل کند. در نتیجه، هنر عمومی بر نقش پررنگ اجتماعی فضاهای شهری در عرصه‌های عمومی شهر تأکید می‌کند. در همین راستا، معیارهای ارزیابی گونه‌های هنر عمومی بر سرزندگی پیاده‌راه‌ها را می‌توان بدین شرح معرفی کرد: همخوانی با محیط پیرامون، عمومی بودن، میزان کیفیت آن، قابل فهم بودن برای تمامی مردم، تقویت تعاملات اجتماعی، داشتن خلاقیت و کیفیت زیباشناختی در اثر. در نتیجه با توجه به ارتباط دو سویه‌ای که بین سرزندگی و حضورپذیری مردم در فضاهای شهری وجود دارد، هنر عمومی با ایجاد تنوع، جذابیت بصری، خوانایی، امنیت، احیاء محیط، یادآوری خاطرات و ایجاد حس تعلق در فضاهای شهری سعی در حفظ و تقویت این ارتباط دارد.

محدوده مورد مطالعه

خیابان چهارباغ عباسی در قلب شهر اصفهان واقع شده است و دارای هندسه مستقیم می‌باشد. "این خیابان به عنوان یکی از محورهای ساختاری شهر اصفهان دارای سه عامل جذب جمعیت یعنی وجود بناهای با ارزش تاریخی، وجود فروشگاه‌های تجاری و قرارگیری محل کار در خیابان یا محدوده اطراف آن است" (قلعه نوعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۷). در همین راستا برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های اعمال شده در این خیابان که امروزه آن را به یک پیاده‌راه تبدیل نموده است، سعی بر آن دارد تا با ایجاد سرزندگی و نشاط، مردم را از هر گروه اجتماعی و فرهنگی برای حضور در این فضای شهری تشویق نماید. اما امروزه با وجود پیاده‌محور شدن، به سختی می‌توان این خیابان را فضای سرزنده و معاشرپذیر معرفی نمود. زیرا، "این خیابان بیش از آنکه محلی برای استقرار و تفریح و خوش‌گذرانی باشد، تنها به تونلی برای عبور و مرور بدل گشته است" (حقیقی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳). بنابراین، موضوعی که بایستی این روزها به آن بیشتر توجه نمود این است که برای بالا بردن سطح کیفیت سرزندگی در این

محور پیاده، آیا می‌توان از گونه‌های متنوع هنری بهره برد؟ کدام گونه یا گونه‌های هنری نقش اساسی در سرزندگی این خیابان ایفا می‌کنند؟

گونه شناسی هنر عمومی در خیابان چهارباغ عباسی

چهارباغ عباسی یکی از شاهکارهای دوره صفویه، و به عنوان یکی از خیابان‌های مهم و اصلی شهر اصفهان محسوب می‌شود. تنها چیزی که امروزه بیان کننده چهارباغ می‌باشد نام و خاطره روزگاران پیش است که جاودان باقی مانده است. بر اساس تقسیم‌بندی گونه‌های هنر عمومی منتج از مبانی نظری پژوهش و با در نظر گرفتن مشاهدات میدانی، گونه‌های هنر عمومی موجود در خیابان چهارباغ عباسی را می‌توان در چهار گروه به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد (جدول ۴).

جدول ۴- گونه شناسی هنر عمومی در پیاده راه چهارباغ عباسی

ردیف	نوع گونه هنر عمومی	گونه هنر عمومی
۱	یادمان‌های تاریخی و ساختمان‌های خاص	کاخ هشت بهشت
		مسجد و مدرسه چهارباغ-بازار هنر
		عمارت جهان نما
		مجسمه شیخ بهایی
۲	معماری تندیس گونه (آثار یادبود)	
۳	مبلمان شهری	نرده‌های دور عمارت جهان نما
		عناصر جداکننده فضا
		تابلوهای راهنمایی و رانندگی و تابلوهای فروشگاه‌ها
		سنگفرش خیابان
		صندلی و نیمکت‌ها، کافه‌های ماشینی، غرفه‌های هنری
	عناصر آسایش افراد	درختان چنار و مادی نیاصرم
	مناظر طبیعی	
		برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های آیینی و مذهبی گوناگون
۴	هنرهای نمایشی	

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

شاخص‌های منتخب در بررسی سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی

سرزندگی فضای شهری کیفیتی است که نشان از پویایی و جنب و جوش حیات هر روزه شهروندان در ارتباط با بستر سکونتشان دارد. یان گل فضایی را سرزنده می‌داند که امکان عبور و مرور آهسته و فعالیت پیاده فراهم باشد و برای اطمینان یافتن از اینکه فضاهای شهری سرزنده و مردم گرا باشند می‌بایست مطمئن شد که شرایط خوبی برای دو گروه بازدید کننده و

استفاده کننده فراهم شده است (گل، ۱۳۸۷). بنتلی نیز (۱۳۹۸) در راستای مفهوم سرزندگی و مؤلفه‌های آن، هفت کیفیت را برای سرزندگی معرفی می‌نماید که عبارتند از: نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف پذیری، تناسبات بصری، غنای حسی و رنگ تعلق. در این پژوهش انتخاب شاخص‌های سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی بر مبنای اینکه پژوهشگر از چه زاویه‌ای به این موضوع نگاه می‌کند بستگی دارد. با در نظر گرفتن نظریه‌های مطرح شده از سوی نظریه پردازان بنام معماری و شهرسازی در خصوص شاخص‌های سرزندگی فضای شهری، و بر مبنای مشاهدات میدانی پژوهشگر از محل نمونه مطالعاتی و با حفظ ارزش‌های تاریخی خیابان چهارباغ عباسی، شش شاخص جذابیت، کیفیت بصری، احیاء و زنده سازی، جذب گردشگر، یادآوری خاطرات و حس تعلق به عنوان شاخص‌های اثرگذار هنر عمومی بر سرزندگی پیاده‌راه چهارباغ عباسی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است.



تصویر ۲- موقعیت خیابان چهارباغ عباسی و برخی از گونه‌های هنری موجود در آن
(منبع: <http://esup.isfahan.ir>)

روش شناسی پژوهش

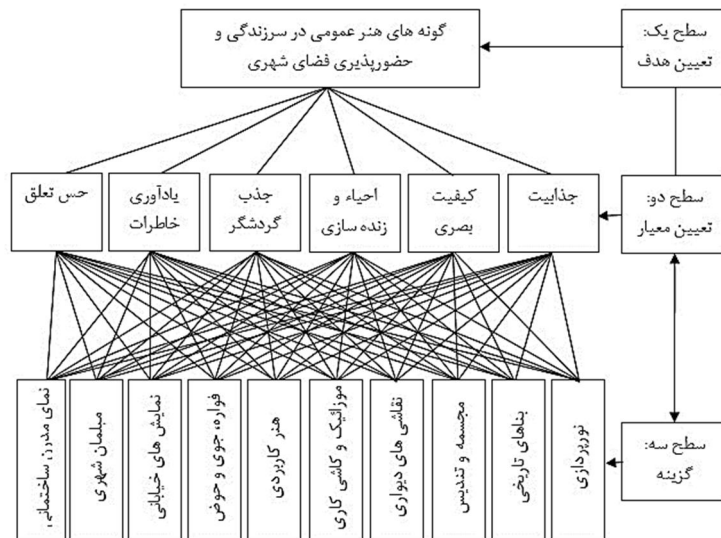
پژوهش پیش رو بر اساس موضوع و هدفی که دنبال می‌کند، پژوهشی کاربردی است که دارای ماهیت نظری می‌باشد. همچنین از نظر راهبرد داده‌ها، پژوهشی کمی-کیفی محسوب می‌شود که رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و کنکاش‌های میدانی-پیمایشی است. محدوده مورد مطالعه، خیابان پیاده محور چهارباغ عباسی اصفهان، و جامعه آماری پژوهش کارشناسان و متخصصین معماری و شهرسازی است. در این تحقیق، ابزار گردآوری اطلاعات در مطالعات کتابخانه‌ای شامل: استناد به اسناد و مدارک، کتب، مجلات و نشریات داخلی و خارجی، و مطالعات میدانی ابزارهایی چون مشاهده و تهیه پرسشنامه را شامل می‌شود. معیارها و گزینه‌ها بر اساس مبانی نظری پژوهش و کنکاش‌های میدانی پژوهشگر در محل نمونه مطالعاتی تعیین شده است. در راستای شناسایی اثرگذارترین گونه هنرعمومی در سرزندگی پیاده‌راه چهارباغ عباسی، نظرسنجی‌ای در قالب پرسشنامه از متخصصان، با تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP) انجام گرفت و با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice نتایج تحلیل و استخراج شد. در این پژوهش جامعه آماری شامل ۳۴ نفر از متخصصان برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، اساتید شهرسازی و معماری و مهندسان مشاور می‌باشد و از آنها خواسته شد تا با امتیازدهی به معیارها و گزینه‌ها، ارجحیت و اولویت‌بندی گزینه‌ها را بر حسب هدف پژوهش مشخص سازند.

فرآیند تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و مراحل انجام آن

در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری بسیار و یا متضاد هم هستند و انتخاب بین گزینه‌ها با مشکل مواجه است، روش AHP از جمله روش‌هایی است که بکار گرفته می‌شود. اساس این روش بر مقایسه‌های زوجی یا دو به دویی آلترناتیوها و معیارهای تصمیم‌گیری است که پس از تبیین اهداف کلی پژوهش و گزینه‌های مختلف در راستای رسیدن به اهداف، ارزیابی صورت می‌گیرد تا بر اساس شایستگی نسبی و درجه اهمیت هر یک از گزینه‌ها، گزینه مطلوب انتخاب گردد.

مرحله اول: ساختن درخت سلسله مراتب: تبدیل موضوع یا مسأله به یک ساختار سلسله مراتبی مهمترین قسمت فرایند تحلیل سلسله مراتبی محسوب می‌شود زیرا این قسمت با تجزیه مسائل پیچیده تحلیل سلسله مراتبی، آنها را به شکلی ساده و به صورت یک نمایش گرافیکی که با ذهن انسان مطابقت داشته باشد، تبدیل می‌کند. در این پژوهش، اولین قدم تشکیل ساختار سلسله مراتبی در ارتباط با موضوع می‌باشد که دیاگرام یا درخت ارزشیابی در

سه سطح هدف، معیار (شاخص) و گزینه طراحی شده است و نمودار ۱، معیارها و گزینه‌های پیشنهادی را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- سلسله مراتب درختی تصمیم‌گیری هدف، معیار و گزینه‌ها

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

مرحله دوم: تبیین ضریب اهمیت معیارها و گزینه‌ها: برای تعیین وزن نسبی معیارها، بایستی آنها را دو به دو در همان سطحی که هستند ارزیابی کرد. در این مرحله برای سنجش اهمیت معیارها و اولویت‌بندی گزینه‌ها و اهمیت نسبی هر جفت نسبت به هم، از کارشناسان خواسته شد مطابق با جدول ۵، توماس ال ساعتی^۱، امتیازدهی نمایند. تا ضریب اهمیت معیارها تعیین گردد. در این پژوهش از روش میانگین هندسی استفاده شد و به کمک آن وزن نرمال به دست آمد. در این مرحله ارجحیت هر گزینه نسبت به خود برابر با یک، و برای گزینه دیگر اصل معکوس بودن ارجحیت دارد. پس از تعیین ضریب اهمیت معیارها، ضریب اهمیت گزینه‌ها بایستی تعیین گردد که ارجحیت هر گزینه در ارتباط با هر یک از معیارها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مبنای این ارزیابی نیز همان مقیاس کمیتی توماس ال ساعتی است، البته با این تفاوت که در تعیین ضریب اهمیت گزینه‌ها بحث کدام گزینه ارجحیت دارد مطرح است.

^۱. Thomas L. Saaty

جدول ۵- تعریف اعداد مقایسه در روش AHP

مقدار عددی	ترجیح‌ها یا قضاوت‌ها	
۹	Extremely Preferred	کاملاً مهمتر یا کاملاً مطلوب‌تر
۷	Very Strongly Preferred	ترجیح یا اهمیت خیلی قوی
۵	Strong Preferred	ترجیح یا اهمیت با مطلوبیت قوی
۳	Moderately Preferred	کمی مطلوب‌تر
۱	Equally Preferred	مطلوبیت یکسان
۲، ۴، ۶، ۸		ترجیحات بین فواصل فوق

(منبع: ایرانشاهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸)

مرحله سوم: اولویت‌بندی گزینه‌ها و سازگاری قضاوت‌ها: در این مرحله از تلفیق ضرایب اهمیت‌های به دست آمده، اولویت نهایی گزینه‌ها تعیین می‌گردد. از آن جا که وزن معیارها، منعکس کننده اهمیت آنها در دستیابی به هدف بوده و وزن هر گزینه نسبت به معیارها، سهم آن گزینه در معیار مربوطه می‌باشد، به سهولت می‌توان گفت که وزن نهایی هر گزینه از مجموع حاصل ضرب وزن هر معیار در وزن گزینه مربوطه نسبت به آن معیار به دست می‌آید (قدسی پور، ۱۳۸۴: ۱۴). در مرحله آخر، جهت حصول اطمینان از ثبات وزن‌های تعیین شده، اقدام به محاسبه نرخ ناسازگاری گردید. نرخ ناسازگاری تمام قضاوت‌های انجام شده در ماتریس‌ها کمتر از ۰،۱ به دست آمد که صحت اوزان به دست آمده را تأیید می‌کند.

یافته‌های پژوهش

مقایسه زوجی و اولویت‌بندی گونه‌های هنر عمومی: در ارزیابی و اولویت‌بندی گونه‌های هنر عمومی بر سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی، شش شاخص سرزندگی به همراه ده گونه هنر عمومی بر اساس مبانی نظری پژوهش و مطالعات میدانی انتخاب و مورد سنجش قرار گرفتند. در این فرآیند ۳۴ پرسشنامه تکمیل شد. نتایج خروجی از تحلیل‌های نرم‌افزار Expert Choice بر اساس دیدگاه کارشناسان پاسخ دهنده به پرسشنامه نشان می‌دهد که اثرگذارترین شاخص در سرزندگی پیاده‌راه چهارباغ عباسی شاخص جذابیت است که این تفسیر بر اساس وزن بیشتر به دست آمده از مقایسه‌های انجام گرفته است.

جدول ۶- ماتریس ارجحیت نسبی معیارهای کلی

معیارها	جذابیت	کیفیت بصری	احیاء و زنده سازی	جذب گردشگر	یادآوری خاطرات	حس تعلق	وزن معیار
جذابیت	۰,۳۳	۰,۲۲	۰,۵۳	۰,۲۰	۰,۲۹	۰,۲۷	۰,۳۰
کیفیت بصری	۰,۳۳	۰,۲۲	۰,۱۷	۰,۳۴	۰,۲۰	۰,۰۵	۰,۲۱
احیاء و زنده سازی	۰,۱۱	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۲۰	۰,۲۷	۰,۱۱
جذب گردشگر	۰,۱۱	۰,۲۲	۰,۱۷	۰,۳۴	۰,۲۰	۰,۲۷	۰,۲۱
یادآوری خاطرات	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۳۵
حس تعلق	۰,۰۶	۰,۲۲	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰	۰,۰۵	۰,۰۶۸

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

به دلیل تعدد معیارها، گزینه‌ها و محاسبات، فقط نتایج نهایی ارائه شده است (جدول ۷).

جدول ۷- ماتریس وزن نهایی معیارها و گونه‌های هنر عمومی

وزن نهایی	وزن گزینه نسبت به هدف	وزن نسبت به معیار حس تعلق	وزن نسبت به معیار یادآوری خاطرات	وزن نسبت به معیار جذب گردشگر	وزن نسبت به معیار احیاء و زنده سازی	وزن نسبت به معیار کیفیت بصری	وزن نسبت به معیار جذابیت	
۰,۲۹۹		۰,۲۶	۰,۲۷	۰,۳۶	۰,۳۲	۰,۳۳	۰,۳۱	نورپردازی
۰,۱۵۵		۰,۲۶	۰,۲۳	۰,۲۵	۰,۱۵	۰,۰۸۸	۰,۱۸	احیاء بناها- های تاریخی
۰,۰۶۳	۰,۳۰	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۱۰	مجسمه و تندیس
۰,۰۷۹	۰,۲۱	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۸	۰,۱۰	۰,۱۰	گرافیتی
۰,۰۸۲	۰,۲۱	۰,۰۵	۰,۰۹	۰,۰۵	۰,۱۱	۰,۱۰	۰,۰۹	موزائیک و کاشیکاری
۰,۰۵۷	۰,۱۱	۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۸	هنر کاربردی
۰,۰۶۹	۰,۰۳۵	۰,۱۱	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۸	۰,۰۷	فواره آب
۰,۲۴۴	۰,۰۶۸	۰,۲۲	۰,۲۰	۰,۳۰	۰,۲۸	۰,۲۹	۰,۲۴	نمایش

								خیابانی
۰,۰۴۱		۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۵	مبلمان شهری
۰,۰۳۷		۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۴	نمای ساختمان

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

نتایج خروجی از تحلیل‌های نرم‌افزار Expert Choice اولویت‌بندی گونه‌های اثرگذار هنر عمومی بر ارتقاء کیفیت سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی به شرح زیر بیان می‌کند:

جدول ۸- اولویت‌بندی گونه‌های هنر عمومی در سرزندگی پیاده راه چهارباغ عباسی

اولویت‌بندی	میانگین هندسی	گونه هنر عمومی
۱	۰,۲۹۹	نورپردازی
۲	۰,۲۴۴	نمایش و اجرای خیابانی
۳	۰,۱۵۵	احیاء بناها و ساختمان‌های تاریخی
۴	۰,۰۸۲	موزائیک و کاشیکاری
۵	۰,۰۷۹	گرافیتی
۶	۰,۰۶۹	فواره‌های آب
۷	۰,۰۶۳	مجسمه و تندیس
۸	۰,۰۵۷	هنر کاربردی
۹	۰,۰۴۱	مبلمان شهری
۱۰	۰,۰۳۷	نمای ساختمان

(منبع: پژوهشگر، ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که سرزندگی فضاهای شهری به حضور مردم وابسته است و این روند، بر روی سلامت شهر و شهروندان به شدت تأثیرگذار می‌باشد. در این پژوهش هنر عمومی به عنوان عاملی اثرگذار در ارتقاء کیفیت سرزندگی فضای شهری پیاده محور معرفی می‌شود. به کمک اطلاعات به دست آمده از مبانی نظری پژوهش و روش میدانی، شاخص‌های سرزندگی و گونه‌های متنوع هنر عمومی در پیاده راه چهارباغ عباسی اصفهان مورد بررسی و سنجش قرار گرفتند. ابتدا معیارهای اثرگذار هنر عمومی بر سرزندگی پیاده راه

چهارباغ عباسی اصفهان بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و با استناد به نظر متخصصین مورد سنجش قرار گرفتند و شاخص جذابیت با وزن معیار ۰,۳۰ (جدول ۶) به عنوان لازمه سرزندگی این محور پیاده معرفی شد. با کنکاش‌های میدانی و مشاهدات صورت گرفته در محل نمونه مطالعاتی، از بین ده گونه هنرعمومی اثرگذار بر سرزندگی و جذابیت خیابان چهارباغ عباسی، ارجحیت گونه‌ها با هر یک از معیارها مورد ارزیابی قرار گرفت که مطابق با جدول ۸، گونه‌ی هنر نورپردازی با ایجاد بستری امن، محیطی خوانا و خاطره انگیز و ایجاد جذابیت در فضا، موجب حضور و تعامل بیشتر افراد می‌گردد و در نتیجه این حضورپذیری فضا را سرزنده می‌کند.

در راستای انتخاب گونه هنر نورپردازی به عنوان اولویت اول در این پژوهش بایستی بیان کرد که آثار هنر نوری به نوعی کامل‌کننده دیگر گونه‌های هنر عمومی (هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، معماری، مبلمان شهری و یادمان‌های تاریخی) برای دیده شدن می‌باشد که می‌تواند در تعامل با عناصر دیگر، هویتی مجزا به خصوص در شب به آنها دهند و سبب تغییر بصری، معنایی و کارکردی یک فضا و یا مکان گردند. وجود یکنواختی در جداره‌ها و عملکردهای خیابان چهارباغ عباسی سبب کاهش ایمنی و امنیت در ساعات پایانی روز می‌گردد خصوصاً از زمان پیاده محور شدن، با اتمام ساعات کاری فضاهای تجاری، خیابان به شدت رو به سردی می‌گراید. اما می‌توان با گونه‌های متنوع هنر نوری مانند آثار نگارتابانه‌ای و یا اینستالیشن آرت، بستر فعالیت‌هایی که در ساعات ابتدایی شب مناسب هستند و موجب جذب مردم می‌گردد مانند اجراهای خیابانی (نمایش و موسیقی به صورت زنده و یا تصویری) را فراهم ساخت و علی‌رغم عمر کوتاه چند ساعته شان توجه مردم را نسبت به موضوع یا مسأله‌ای اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی جلب کرد. همین امر این محور پیاده را به درونگرایی تشویق می‌کند. بنابراین می‌توان ظرفیت اثرگذاری این گونه هنری بر پیاده راه چهارباغ عباسی را به شرح زیر مطرح کرد:

زیباسازی و تزئین منظر شهری، سرزندگی و ایجاد جذابیت برای حضور، تقویت پیوندهای اجتماعی، آگاهی بخشی، اطلاع رسانی و کاربردهای رسانه ای، تقویت کارکرد سرگرمی و اوقات فراغت در هنگام شب، تقویت شخصیت شهری-اجتماعی، ایجاد نقاط مکث و تقویت زندگی اجتماعی، پایدار کردن پیاده راه، بیان ارزش‌های تاریخی و انتقال آن همانند یک میراث با ارزش به بازدیدکنندگان.

منابع و مأخذ:

- ۱- ارمجانی، س. ۱۳۸۴. هنر جدید: هنر عمومی. خسرو ریگی. شماره ۴۶. مجله تندیس. ۹-۸.
- ۲- اسدالهی کیا، س. ۱۳۸۴. طراحی فضاهای شهری در شهر جدید هشتگرد با رویکرد سرزندگی و حس تعلق به مکان. پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. ۱۲۰ صفحه.
- ۳- ایرانشاهی، ا. دلاکه، ح. ثمره، ح. و دادخواه، م. ۱۳۹۴. ارزیابی کیفیت‌های فضایی در شهرهای جدید با استفاده از مدل فرآیند سلسله مراتبی AHP نمونه موردی: شهر جدید بهارستان. فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش محیط، شماره ۳۶، ۱-۲۴.
- ۴- بنتلی، ا.ا.، الکک، آ.، مورین، پ.، مک گلین، س. و اسمیت، گ. ۱۳۹۸. محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان. مصطفی بهزاد فر. چاپ ۱۴. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. ۴۱۸ صفحه.
- ۵- پاکزاد، ج. ۱۳۸۶. راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. چاپ چهارم. تهران، شرکت طرح و نشر پیام سیم: وزارت مسکن و شهرسازی و معماری. ۴۷۰ صفحه.
- ۶- پور مختار، الف. ۱۳۹۲. بررسی میزان پیاده‌مداری در خیابان چهارباغ اصفهان و تأثیر آن بر تعامل اجتماعی شهروندان. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، ۱۰۰-۹۱.
- ۷- حبیبی، م. ۱۳۸۰. مسیر پیاده‌گردشگری. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۹، ۵۱-۴۳.
- ۸- حقیقی بروجنی، س.، یزدانفر، ع و بهزادفر، م. ۱۳۹۴. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی. دوره ۲۲ (۲۰)، ۳۱-۴۲.
- ۹- خستو، م و سعیدی رضوانی، ن. ۱۳۸۹. عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری. فصلنامه هویت شهر، سال چهارم (۶)، ۶۳-۷۴.
- ۱۰- رستمی، م.، سروی زرگر، ر. و عینی، ح. ۱۳۹۶. تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های هنر عمومی (نمونه موردی: پارک لامپینی بانکوک و ایل گلی تبریز). مجله باغ نظر، سال ۱۴ (۴۹)، ۶۴-۵۳.
- ۱۱- رنجبر، ا. و ربیس اسماعیلی، ف. ۱۳۸۹. سنجش کیفیت پیاده‌راه‌های شهری در ایران. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۴۲، ۹۳-۸۳.
- ۱۲- شهابیان، پ. و حقیقی، ر. ۱۳۹۱. واکاوی نقش هنرهای عمومی در موفقیت فضای شهری میدان نقش جهان اصفهان. فصلنامه هویت شهر، شماره نوزدهم، سال ۸، ۸۹-۱۰۰.

- ۱۳- صفاری راد، ع و شمس، م. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی معیارهای قابلیت پیاده‌مداری در سطح محلات شهری (مطالعه موردی: محلات جدید و قدیمی شهر رشت). فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش محیط. شماره ۳۹. ۱۸۳-۲۰۴.
- ۱۴- طبیبیان، م. ۱۳۷۹. شهر و فضاهای شهری، تهران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۶.
- ۱۵- عادلوند، پ، موسوی لر، ا، و منصوری، س.ا. ۱۳۹۵. «هنر شهری» به مثابه پدیده‌ای منظرین در جامعه امروز. باغ نظر، سال سیزدهم (۳۹)، ۴۴-۳۹.
- ۱۶- عموزاده، ا. ۱۳۹۸. کاربست هنر عمومی در جهت کیفیت بخشی به فضاهای عمومی شهر (مطالعه موردی: محله ایرانشهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا. ۱۲۴ صفحه.
- ۱۷- قدسی پور، س.ح. ۱۳۷۹. مباحثی در تصمیم‌گیری چند معیاره: فرایند تحلیل سلسله مراتبی. دانشگاه صنعتی امیر کبیر، تهران.
- ۱۸- قلعه نوعی، م، بهرامیان، آ، و مدنی، ف. ۱۳۹۰. نقش تابلوهای تبلیغاتی فروشگاه‌ها در تغییر شکل منظر شهری (مورد مطالعاتی: خیابان چهارباغ عباسی). نشریه مطالعات تطبیقی هنر (دو فصلنامه علمی-پژوهشی)، سال ۱ (۲)، ۳۹-۲۸.
- ۱۹- گل، ی. ۱۳۸۷. زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. ترجمه شیما شصتی. تهران. انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۹۸ صفحه.
- ۲۰- گلکار، ک. ۱۳۸۶. مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، فصلنامه صفا، سال ۱۶ (۴۴)، ۷۵-۶۶.
- ۲۱- مظفر، ف، حسینی، م، و خدادادی، ر. ۱۳۹۶. نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت محیط زیست شهری. دو فصلنامه علمی-ترویجی پژوهش هنر، سال ۷ (۱۳)، ۸۵-۷۳.
- ۲۲- موحد، ع. شمعی، ع و اسدی کلمتی، ا. ۱۳۹۸. سنجش کیفیت فاهای عمومی شهری با تأکید بر خیابان رودکی و آذربایجان سلسبیل شمالی منطقه ۱۰ تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش محیط. شماره ۴۵. ۷۱-۹۴.
- ۲۳- وحدت طلب، م، و رحیمیان، م.ا. ۱۳۹۲. بررسی مفهوم هنر عمومی و کنش متقابل آن با مردم در فضاهای عمومی و شهری. اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- ۲۴- وحدت، س. و سجاد زاده، ح. ۱۳۹۵. بررسی و ارزیابی نقش هنر شهری در افزایش میزان حضورپذیری فضاهای عمومی با تأکید بر گرافیک شهری (نمونه موردی: پارک مردم همدان). دوفصلنامه علمی-ترویجی پژوهش هنر، سال ۶ (۱۱)، ۳۹-۲۵.

-
- 25- Carrington, H. 2004. Public Art- Public Landscapes- Public Decisions. SUNY College of Environmental Science and Forestry.
- 26- Carmona, M., et al. 2010. (Second Edition). Public Space - Urban Space, the Dimension of Urban Design. Publisher: Elsevier Science.
- 27- Cowan, R. 2005. The Dictionary of Urbanism. Streetwise press.
- 28- Eaton, T. 1990. "Art in the environment", The planner, No. 23, 71-74.
- 29- Hubbard, p., Faire, L. and Lilley, K. 2003, "Memorials to Modernity? Public art in the city of the future", Landscape Research, Vol. 28, No. 2, 147-169.
- 30- Jacobs, J. 2016. The Death and Life of Great American Cities. Published: Vintage Digital eBook.
- 31- Maderuelo, J. 1994. La pérdida del pedestal. Madrid. Circulo de ellas Artes.
- 32- Miles, M. ED: 2005. ART. SPACE and the City: public art and urban features, published in the Taylor & Francis e-Library. (first published 1997). Rutledge.
- 33- Remesar, A. 2005. Urban Regeneration, A challenge for Public Art. University of Barcelona.